



# مطلع الأنوار

سروده  
امیر خسرو دہلوی

(۶۵۱-۷۲۵ھ ق)

تصحیح

مریم زمانی (السدواد)

- سرشناسه : امیر خسرو، خسرو بن محمود، ۶۵۱-۷۲۵ ق.  
 Amir Khosraw, Khosraw Ebn Mahmud
- عنوان و نام پدیدآور : مطلع الانوار / سروده امیر خسرو دهلوی؛ تصحیح مریم زمانی (الله داد)؛  
 ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی مصطفی امیری.
- مشخصات نشر : تهران: مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۹۷.
- مشخصات ظاهری : سی و شش، ۲۰۲، ۸ ص.
- فروست : میراث مکتوب؛ ۳۲۲. زبان و ادبیات فارسی؛ ۷۷.
- شابک : 978-600-203-156-3
- وضعیت فهرست‌نویسی: فیپا
- موضوع : شعر فارسی - قرن ۸ ق.
- موضوع : Persian poetry-14th century
- شناسه افزوده : زمانی، مریم، ۱۳۶۰ - ، مصحح
- شناسه افزوده : امیر، مصطفی [مترجم]
- شناسه افزوده : مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب
- رده‌بندی کنگره : PIR ۵۲۵۷ ۱۳۹۷
- رده‌بندی دیویی : ۸ / ۳۲ فا
- شماره کتابشناسی ملی : ۵۴۱۱۷۸۰

# مطلع الأنوار

سروده

امیر خسرو دہلوی

(۶۵۱-۵۷۲۵ھ ق)

تصحیح

مریم زمانی (اندواد)



## مطلع الأنوار

سروده: امیر خسرو دهلوی (۶۵۱ - ۷۲۵ هـ. ق.)

تصحیح: مریم زمانی (الله داد)

ناشر: میراث مکتوب

مدیر تولید: محمد باهر

ترجمه گزیده مقدمه به انگلیسی: مصطفی امیری

مدیر فنی و امور چاپ: حسین شاملوفرد

صفحه‌آرا: محمود خانی

چاپ اول: ۱۳۹۷

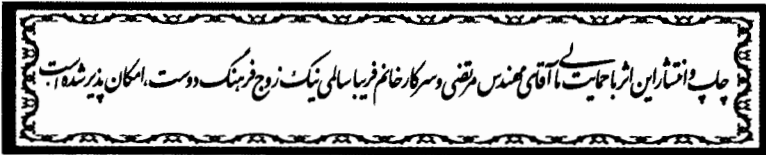
شمارگان: ۵۰۰ نسخه

بها با جلد شومیز: ۴۱۰۰۰ تومان

بها با جلد سخت: ۵۱۰۰۰ تومان

شابک: ۳-۱۵۶-۲۰۳-۶۰۰-۹۷۸

چاپ (دیجیتال): میراث



همه حقوق متعلق به ناشر و محفوظ است

نشر الکترونیکی اثر بدون کسب اجازه کتبی از ناشر ممنوع است

نشانی ناشر: تهران، ش. پ: ۱۳۱۵۶۹۳۵۱۹

تلفن: ۰۶۶۴۹۰۶۱۲، دورنگار: ۰۶۶۴۰۶۲۵۸

E-mail: [tolid@MirasMaktoob.ir](mailto:tolid@MirasMaktoob.ir)

<http://www.MirasMaktoob.ir>

## بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

دریانی از فربنک پربایه اسلام و ایران در نسخه‌های خطی موج می‌زند. این نسخه‌ها در حقیقت، کارنامه دانشمندان و نوابغ بزرگ و هویت‌نامه‌های ایرانیان است. بر عمده هر نسلی است که این میراث پراچ را پاس دارد و برای شناخت تاریخ و فربنک و ادب و سوابق علمی خود به احیا و بازسازی آن اهتمام ورزد.

باینه کوششهایی که در سالهای اخیر برای شناسایی این ذخایر مکتوب و تحقیق و تبیین و آنها انجام گرفته و صد کتاب و رساله ارزشمند انتشار یافته هنوز کار نگذاشته و بسیار است و میزان کتاب و رساله‌های خطی موجود در کتابخانه‌های داخل و خارج کشور شناسانده و منتشر نشده است بسیاری از متون نیز، اگرچه بارها بطبع رسیده، منطبق بر روش علمی نیست و تحقیق و تبیین صحیح مجدد نیاز دارد.

احیاء و نشر کتاب و رساله‌های خطی و طیفه‌ای است بر روش محققان و مؤسسات فرسنگ. مرکز پژوهشی میراث مکتوب در راستای این هدف در سال ۱۳۷۲ بنیاد نهاده شد تا با حمایت از کوشش‌های محققان و مصححان، و با مشارکت ناشران، مؤسسات علمی، اشخاص فرسنگی و علاقه‌مندان به دانش و فربنک سهمی در نشر میراث مکتوب داشته باشد و مجموعه‌ای ارزشمند از متون و منابع تحقیق به جامعه فرسنگی ایران اسلامی تقدیم دارد.

اکبر ایرانی

مدیر عامل مؤسسه پژوهشی میراث مکتوب

## فهرست مطالب

مقدمه	یازده
اهمیت مطلع الانوار	شانزده
ضرورت تصحیح	بیست
معرفی نسخه‌ها و شیوه تصحیح	بیست و سه
نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی	بیست و سه
نسخه کتابخانه آیت الله مرعشی	بیست و شش
نسخه کتابخانه ملی	بیست و هفت
نسخه کتابخانه دانشگاه تهران	بیست و هشت
شیوه تصحیح	بیست و نه
سپاسگزاری	سی و یک
مطلع الانوار	۱
مناجات اول - در اولویت وجود واجب الوجود	۴
مناجات دوم - در بیان نیاز بنده	۵
مناجات سوم - در ترصد دیده امید بر فضای قضای ربّانی	۶
نعت اول - سید مکی مکین	۷
نعت دوم - در معراج سلطان انبیا	۹
نعت سوم - در مخاطبه حضرت نبی	۱۳
خلوت اول - در فضل تعبد	۲۸
خلوت دوم - در صفت صباح و مساح	۳۱

- ۳۶ ..... خلوت سوم - در گرفتن احرام
- ۳۹ ..... مقاله اول - در علو درخت آدمیت
- ۴۴ ..... حکایت موسی کلیم
- ۴۵ ..... مقاله دوم - در استظلال از مظله علم
- ۵۱ ..... حکایت مشعله پادشاه
- ۵۲ ..... مقاله سوم - در کمال کلام
- ۵۷ ..... حکایت عنان داری ادهم
- ۵۸ ..... مقاله چهارم - در تمهید اثیه وحدت ربانی و تشیید ابنیه خمسۀ مسلمانی
- ۶۴ ..... حکایت حاجی که در راه حج صرفه نعلین کرد
- ۶۵ ..... مقاله پنجم - در تقویت تقوا و جهد جهاد اکبر
- ۷۰ ..... حکایت عابدی که از جمله مزد طاعت به دیدن خدای بسنده کرد
- ۷۱ ..... مقاله ششم - در شکر صوفیان صافی هوش
- ۷۷ ..... حکایت ترک شبلی
- ۷۸ ..... مقاله هفتم - در انوار نفس خرسند
- ۸۳ ..... حکایت پیر گران سنگ
- ۸۵ ..... مقاله هشتم - در بلندی پایه عشق
- ۹۰ ..... حکایت گلخن تاب
- ۹۱ ..... مقاله نهم - در مرافقت و موافقت رفقای باتفاق
- ۹۷ ..... حکایت پیر وفادار
- ۹۸ ..... مقاله دهم - در حرمت و رحمت ذوی الارحام
- ۱۰۳ ..... حکایت مرد برادرکشی که قصد خون خود کرد
- ۱۰۵ ..... مقاله یازدهم - در مفاتح فیض امائل
- ۱۱۰ ..... حکایت جوانمردان تشنه
- ۱۱۱ ..... مقاله دوازدهم - در منزلت شهیدان مغفرت‌نوش
- ۱۱۷ ..... حکایت گبر سگ که آب دهان سوی شیر خدا انداخت
- ۱۱۸ ..... مقاله سیزدهم - اندر اندرز شاهان
- ۱۲۳ ..... حکایت خطا کردن پادشاه از تیر بی خطا

۱۲۵	.....	مقاله چهاردهم - در تحسین دیانت صابین و نفرین دنائت خائن
۱۳۱	.....	حکایت آبریختگی شیرفروش و آبردگی رمه
۱۳۱	.....	مقاله پانزدهم - در ملامت موذیان
۱۳۶	.....	حکایت درد چشم زاغ کحلی پوش
۱۳۸	.....	مقاله شانزدهم - در سیر ستوده انسان و سر شنوده ایشان
۱۴۳	.....	حکایت دم زندگانی بخش عیسی روح الله علیه السلام
۱۴۴	.....	مقاله هفدهم - در غنیمت داشتن شب شباب
۱۴۹	.....	حکایت پیر صاحب نظر و جوان تعمیرگر
۱۵۱	.....	مقاله هجدهم - در دوا و راه نجات و جنات
۱۵۶	.....	حکایت جوینده شب قدر
۱۵۷	.....	مقاله نوزدهم - در شکایت گردون
۱۶۲	.....	حکایت صیاد پوستین پوش
۱۶۳	.....	مقاله بیستم - در نصیحت فرزند مستوره و سایر مستورات
۱۶۸	.....	حکایت زن پارسا
۱۶۹	.....	گفتار در اختتام این مجلد مخلد
۱۷۵	.....	تعلیقات
۲۶۳	.....	نمایه ها
۲۶۵	.....	اعلام
۲۶۷	.....	اصطلاحات (دیوانی، اداری، اخلاقی، دینی، نجومی، عامیانه، گروهها و...)
۲۹۹	.....	منابع و مأخذ



## مقدمه

امیر ناصرالدین ابوالحسن خسرو بن امیر سیف‌الدین دهلوی از شاعران و عارفان پارسی‌گوی و به نام شبه‌قاره در نیمهٔ دوم قرن هفتم و اوایل قرن هشتم هجری می‌زیسته. پدر وی سیف‌الدین محمود از امیران قبیلهٔ لاجین و ترکان ختایی ماوراءالنهر ساکن شهرکش بود و به امیر لاجین مشهور، وی هنگام حملهٔ مغول از حوالی بلخ و قصبهٔ قرش به سمت هندوستان کوچ می‌کند. در آن روزگار شمس‌الدین التُّمَش (۶۰۷-۶۳۳ هـ) بر دهلی و نواحی شمال هندوستان و ناحیهٔ سند حکومت می‌کرده که سیف‌الدین محمود نیز به خدمت او درمی‌آید و در آن منطقه به «سیف شمس» اشتهار می‌یابد و از امرای لشکر آن حاکم می‌شود. وی در مؤمن‌آباد (پتیالی) از بخش‌های دهلی اقامت می‌گزیند. و دختر عمادالملک از مردان بانفوذ و امرای دربار دهلی را به زنی می‌گیرد و حاصل آن پیوند سه‌پسر به نام‌های عزالدین علیشاه، ناصرالدین خسرو و حسام‌الدین قتلغ شد.<sup>۱</sup> امیر خسرو خود در یکی از اشعارش تاریخ تولدش را ۶۵۱ هـ بیان کرده:

کنون که ششصد و هشتاد و چهار شد تاریخ

و از سی و سه آمد نوید سی و چهار

وی در مقدمه در غرة الکممال (بخشی از دیوانش) اشاره‌ای به چگونگی زندگی اش و

۱. جاوید، احمد، مجلس امیر خسرو، ص ۹۹.

آنچه از روزگار بروی گذشته دارد و چنان که می‌گوید در کودکی سایه پدر از سرش رفته است و در حمایت جدّ مادری عمادالملک درآمده و از وقتی به سن تمییز رسیده برای تعلیم به مکتب‌خانه رفته است و خط را نزد سعدالدین خطاط آموخته. در همان آغاز به جای خواندن و نوشتن به شعر سرودن پرداخته که مورد توجه واقع شده. از نوشته‌هایش چنین برمی‌آید که به زبان عربی تسلط داشته است و در سن ۱۵ تا ۲۰ سالگی از کسب تمام علوم درسی فارغ شده. پس از درگذشت عمادالملک که مصادف با بیست سالگی وی بوده به قول خودش تعلق به فتراک دولت خان معظم علاءالدین کشلی خان معروف به ملک چهجو کرد و دو سال در خدمت پادشاه به سربردگویا در این دوره حکومت هند به صورت ایالتی اداره می‌شده و سلطان هند، پادشاهی را برای هر منطقه انتخاب می‌کرده و از وی تابعیت سیاسی و نظامی خواسته و خراج سالیانه<sup>۱</sup> در همین دوره امیرخسرو نخستین مجموعه اشعارش را که شامل اشعار دوره کودکی تا نوزده سالگی وی است گردآوری می‌کند.

درباره ارادت خسرو و پیوستگی او به سلسله چشتیه و نظام‌الدین اولیا سخن‌های بسیاری در تذکره‌های شاعران و عارفان ذکر شده حکایات بسیاری از دوستی و ارادتی که بین این دو بوده یاد شده است که از آن جمله می‌توان به لقبی که نظام‌الدین به مریدش داده یعنی «ترک‌الله» اشاره کرد همچنین دعایی که همواره بر زبان داشته که «خدایا مرا به سوز سینه این ترک ببخش» از طرفی آمده است که برای شفاعت می‌گفته امیرخسرو را در قیامت با خود می‌برد و وی را حاصل عمر خود می‌دانسته از طرفی حکایتی شیرین در اکثر تذکره‌های فارسی ذکر شده با این مضمون که روزی نظام‌الدین اولیا کنار دریا نشسته عبادت هندوان را می‌نگریسته و در این حال کلاهی کج بر سر نهاده است که خسرو به خدمت وی می‌رسد و خواجه نظام با اشاره به هندوان می‌گوید که «هر قوم راست راهی دینی و قبله گاهی» و خسرو در جواب وی به بداهه می‌گوید: «ما قبله راست کردیم بر طرف کج کلاهی» و باز می‌گویند که به اشارت خواجه نظام خسرو به دیدار

خضر نایل شده است و از او خواسته که آب دهانش را به تبرک در دهان خسرو بریزد و خضر سر باز زده و گفته این دولت نصیب سعدی شده است و خواجه نظام که مطلع می شود خود دهان امیر خسرو را متبرک می نماید و گفته اند که پیاده از هندوستان همراه خواجه نظام به حج رفته است<sup>۱</sup> اما نام خواجه نظام، محمد بن علی بن دانیال است. مشهور به سلطان المشاع، سلطان اولیا، سلطان سلاطین و خواجه صاحب؛ متولد ۶۳۶ هجری در بدایون روستای غیاث پور از روستاهای دهلی، جد پدری اش خواجه علی بخاری است و نیای مادری اش خواجه سید عرب که هر دو از سادات بخارا بوده اند که هر دو بر هند مهاجرت کردند. نسبت خواجه نظام الدین با دوازده واسطه به علی بن موسی الرضا (ع) می رسد.<sup>۲</sup> وی نیز به خردی پدر از دست داده به لطف و حمایت مادر پرورده شده است و در مکتب خانه علوم ابتدایی را آموخته تا دوازده سالگی قرآن را از بر کرده به دهلی کوچ می کند و فقه، اصول، حدیث و تفسیر را از علاء الدین اصولی، شمس الملک و مولانا کمال الدین زاهد می آموزد و در بیست سالگی به اجودهن نزد فریدون الدین مسعود شکرگنج (۵۸۴-۶۶۴ ه.ق) می رود که وی پیشوای سلسله چشتیه و بنیانگذار طریقه نظامیه در آن روزگار در شبه قاره است. نظام الدین به او دست بیعت می دهد و دوره های سیر و سلوک را نزد وی می گذراند و در مدتی که نزد شیخ شکرگنج است کتابی از سخنان وی گردآوری می کند با نام راحت القلوب چندی بعد نیز از شیخ اجازه دستگیری، آموزش و ارشاد مردمان و علاقمندان را می گیرد. وی در آغاز کار فقیر و تنگدست بوده اما با گسترش صوفی گری در هند و پیچیدن آوازه اش در آن سرزمین از نذورات و فتوحات بسیاری برخوردار می شود و روزگارش را در باقی عمر به گشایش می گذراند. وی علاقه بسیاری به سماع داشته و چون سایر مشایخ چشتیه آن را از عوامل نزول رحمت خداوندی می دانسته و به رسم مشایخ چشتیه کلاه چهارگوش بر سر می نهاد. از دیگر آثار نظام الدین اولیا می توان به رساله عرفانی ای اشاره کرد که نزد صاحب زاده نورجهانیان در بهاول نگر نگهداری می شود همچنین رساله توحید به شماره

M.N. ۱۹۶۱-۹۵۰۱۴ در موزه ملی پاکستان در کراچی، عشق حقیقی که نامه‌ای است درباره عشق در انجمن ترقی اردو در کراچی، فقونامه در خرقه‌پوشی و درویشی که آن هم نزد صاحب نورجهانیان در بهاول‌نگر است، مکتوبات نظام‌الدین اولیا به شماره ۶۱۹۰/۱۳ در دانشگاه شیرانی لاهور، شجرنامه گنج شکر هم به قلم نظام‌الدین اولیا نزد صاحب نورجهانیان است همراه با احوال اولاد گنج شکر<sup>۱</sup> همه تذکره‌هایی که به احوال امیرخسرو پرداخته از جمله تذکره دولتشاه وی را از وابستگان سلسله چشتیه و عرفای هندوستان معرفی کرده‌اند و حتی بعضی وی را یکی از مشایخ و اولیای فرقه و در طریق الحقایق مراتب این سلسله را بدین قرار ذکر می‌کند نسبت ایشان را به امام محمد باقر(ع) می‌رساند: از جانب امام ظاهر و باطن محمدباقر(ع) فیض به ابراهیم ادهم رسیده است و از او به شیخ حذیفه مرعشی سپس هبیره بصری و از وی به شیخ علوی دینوری و از او به شیخ اسحاق شامی و بعد به خواجه احمد ابدال چشتی که سلسله چشتیه به او انتساب دارد و چشت به وزن خشت روستایی از روستاهای هند است. در تذکره‌ها حکایاتی نیز در کرامات امیرخسرو آمده که به اختصار به بعضی اشاره شد.

این ترک پارسی‌گوی در سرودن انواع شعر از قصیده تا غزل و مثنوی مهارت داشته و کلیات دیوان وی حاکی است از توانایی و طبع روان خسرو برای سرودن هر قالب شعری. خسرو دیوان خود را به چند بخش تقسیم نموده و در هر بخش اشعار دوره‌ای خاص از زندگی‌اش را جای داده که به شرح ذیل می‌باشد:

۱. تحفة الصغر که شامل قصاید و غزلیات آغاز شاعری وی یعنی از شانزده سالگی تا نوزده سالگی است.

۲. وسط الحیاه که اشعار بیست سالگی تا چهل و سه سالگی وی را در بر می‌گیرد.

۳. غرة الکمال شامل اشعار خسرو از چهل سالگی به بعد است که به خواهش برادر بزرگش علاء‌الدین علی گردآوری شده و شاعر در مقدمه آن مختصری از سرنوشت خود را سروده است.

۴. بقية النقيه که شامل اشعار دوران پیری خسروست که دکتر صفا در تاریخ ادبیات خود به دلیل وجود قصیده‌ای در مرگ علاءالدین محمد خلجی (۶۹۵-۷۱۵ هـ.) تاریخ آن را تا ۷۱۵ هجری امتداد داده است.

۵. نهاية الکمال که اشعار سال‌های آخر عمر امیر خسروست.

سپس باید به ثمانية خسرو اشاره کرد که مثنوی‌های هشت‌گانه‌ای است که قسمتی از آنها نظیره‌گویی است بر خمسة نظامی و قسمتی دیگر در شرح وقایع مشهود شده:

۱. تاج الفتوح که مرحوم سعیدی در تاریخ نظم و نثر از آن با نام «مفتاح الفتوح» یاد کرده در فتوحات فیروز شاه که دکتر صفا در تاریخ ادبیات موضوع آن را مربوط به سال اول حکومت فیروز شاه می‌داند که امیر در همان سال هم نظم آن را به پایان برده به بحر هزج مثنی مقصور یا محذوف.

۲. مثنوی نه سپهر مشتمل بر نه باب و هر باب در بحری مستقل این مثنوی در سال ۷۱۸ هـ به نام قطب‌الدین مبارک شاه خلجی به نظم کشیده شده.

۳. منظومه دول رانی و خضرخان به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف با موضوع عشق خضرخان پسر علاءالدین محمد شاه خلجی (۶۹۵-۷۱۵ هـ) به «میول دی» دختر راجه گجر است. به این منظور عشقیه نیز گفته‌اند.

۴. مطلع الانوار که منظومه‌ای است به بحر سریع در پاسخ مخزن الاسرار نظامی در سه هزار و سیصد و ده بیت که در سال ۶۹۸ هجری در مدت دو هفته سروده شده است.

۵. شیرین و خسرو به بحر هزج مسدس مقصور یا محذوف به تقلید از خسرو و شیرین نظامی. نظم این منظومه به اشاره امیر خسرو بعد از اتمام مطلع الانوار آغاز شده در رجب همان سال یعنی ۶۹۸ هـ در چهار هزار و صد و بیست و چهار بیت به پایان رسیده است.

۶. مجنون لیلی؛ این منظومه نیز به تقلید نظامی سروده شده در همان سال ۶۹۸ هـ در دو هزار و ششصد و شصت بیت.

۷. آینه اسکندری که منظومه‌ای است به بحر متقارب مثنی مقصور یا محذوف که هرچند در پاسخ اسکندرنامه نظامی سروده شده است اما هدف از آن بیان احوال اسکندر

از آغاز تا پایان زندگی اش نیست و از فتوحات اسکندر و جنگ‌هایش به ایجاز و بیان حکایات کوتاه گذشته‌اند و بیشتر به مباحث حکمی در آن پرداخته این منظومه چهار هزار و چهارصد و پنجاه بیت دارد و در سال ۶۹۹ هجری سروده شده است.

۸. هشت بهشت در پاسخ هفت پیکر نظامی که موضوع آن نیز با هفت پیکر تفاوتی ندارد و امیر خسرو این مثنوی را به سال ۷۰۱ هجری در سه هزار و سیصد و پنجاه و دو بیت سروده است.

منظومه قران السعدین در بحر سریع نیز از دیگری مثنوی‌های وی است که شأن سرودن آن را پیش‌تر ذکر کردیم. این مثنوی در شش ماه از سال ۶۸۸ هجری سروده شده و در رمضان همان سال به پایان رسیده، تغلق‌نامه نیز منظومه دیگری است در ذکر احوال غیاث‌الدین تغلق شاه (۷۲۵-۷۲۰ ه.م) علاوه بر این منظومه‌ها خسرو مجموعه‌ای دارد در موضوعات گوناگون که بیشتر در مسایل تفننی و اطلاعات عمومی است به این شرح: نصاب البدایع؛ گهریال که منظومه کوتاهی است به عدد انگشتان دست؛ مثنوی شهر آشوب مرکب از شصت و هفت رباعی؛ خالق باری که به زبان هندی سروده شده و چون بیت اول آن با «خالق باری» شروع می‌شود به این نام شهرت یافته است. علاوه بر آثار نظم نوشته‌هایی نیز به نثر فارسی از امیر خسرو به جای مانده که از آنها می‌توان به بعضی اشاره کرد: خزاین الفتوح معروف به تاریخ علایی در تاریخ سلطنت سلطان علاء‌الدین محمد خلجی؛ افضل الفوائد شامل ملفوظات نظام‌الدین اولیا؛ رسایل الاعجاز یا اعجاز خسروی در قواعد انشای فارسی در سه مجلد به سال ۷۱۹ هجری، ملک‌شاه در تذکره الشعرا به آثار دیگری اشاره کرده که از آن جمله می‌توان به مناقب هندی، تاریخ دهلی و قانون استیفا اشاره کرد.

### اهمیت مطلع الانوار

گسترش عرفان اسلامی در شبه‌قاره و وجود شرایط مساعد در پذیرش و پرورش اندیشه‌های عرفانی و اخلاقی در هندوستان سبب گسترش مرزهای زبان فارسی و ظهور

آثار ارزشمندی به این زبان شد که زمینه‌ساز ارتباط دوستانه و پیوند محکم فرهنگی میان ایرانیان و مردم شبه‌قاره است. در میان منظومه‌ایی که امیر خسرو به تقلید از نظامی شاعر نام آشنای فارسی سروده مطلع الانوار از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است، یکی به سبب ویژگی‌های زبانی و ادبی‌ای که به تقلید از مخزن الاسرار در آن شکل گرفته و به زعم بسیاری پژوهشگران بهترین نظیره‌ای است که بر مخزن الاسرار نوشته شده است و دیگر به جهت محتوا و اشمال مطلع بر مباحث اخلاقی و عرفانی‌ای که سبب آنها عرفان و اخلاق اسلامی در شبه‌قاره در میان آثار به‌جامانده از شاعران فارسی‌زبان آن منطقه مورد توجه است. از طرفی تنوع در اندیشه‌های اخلاقی و تفاوت حسن و قبح عرفی و فرهنگی به جهت پراکندگی و گستردگی مرزهای زبان فارسی از مواردی است که توجه به این منظومه را در میان پژوهشگران حوزه‌های مختلف تاریخی، جامعه‌شناسی، ادبی و فرهنگی مورد توجه قرار داده و همواره مقالاتی در مباحث عرفانی، اخلاقی و ادبی درباره این منظومه نگاشته می‌شود و هنوز زوایای بسیاری از موضوعات مورد بحث درباره آن ناتمام مانده است. از طرفی زبان صمیمی و بی‌پرده امیر خسرو در مطلع سبب شده که این اثر به راحتی بتواند با مخاطب علاقه‌مند به ادبیات ارتباط برقرار کند و جای خود را در کتابخانه‌های شخصی بیابد.

امیر خسرو مطلع الانوار را به شیوه نظامی در بیست باب و با تقدیس خداوند، مناجات و نعت پیامبر آغاز کرده در هر فصل عنوانی اخلاقی و یا دینی انتخاب نموده و با آوردن فصلی در موضوع طرح شده مطلب را با حکایتی کوتاه به پایان رسانده است. هرچند امیر خسرو در هر موضوعی فصلی جداگانه نگاشته و به شکلی مباحث اخلاقی را ذیل عنوان هر باب دسته‌بندی نموده اما پراکندگی گفتار و آوردن موضوعات متفاوت در هر فصل از ویژگی‌های مطلع است به طوری که هر چند بیت که آنها را در موضوعی سروده به گونه‌ای شناور و سیال از موضوع به شاخه‌های متصل و مرتبط رسیده و گاه سبب پراکندگی بسیار در مباحثی که مطرح کرده، شده است. وی سعی کرده که در این مجموعه آنچه از نظرش پسندیده و ناپسند از رفتار آدمی است بیان کند و هر مقاله مملو

است از فضایل و رذایلی که گاه زیرمجموعه هم در دسته‌بندی اخلاقی نیستند از این جهت می‌توان مطلع الانوار را سرشار از ذکر رفتارهای خطا و صوابی دانست که ممکن است از آدمی سر بزنند و امیرخسرو سعی کرده تمامی آنها را در نظر آورد؛ چه از نظر سستی آن‌چه ناشایست است چون سرمه کشیدن زنان بیوه، راز نگفتن با زالان و در خانه نشانیدن زنان و چه از نظر دینی و حکمی. توجه به مباحث عرفانی‌ای چون ترک دنیا، تحمل بلای عشق و رضا از جمله مباحثی است که در مطلع الانوار به چشم می‌خورد.

عنوان فصول مطلع و حکایات پایان هر فصل به شرح ذیل می‌باشد:

مناجات اول در اولویت وجود واجب الوجود.

مناجات دوم در بیان نیاز بنده.

مناجات سوم در ترصد دیده امید.

نعت اول سید مکی مکین.

نعت دوم در معراج سلطان انبیا.

نعت سوم در مخاطبه حضرت نبی.

در مدح دریای ابر و سحاب آبدار.

دعای خیر همایون سلطان السلاطین.

بنای ثنای ثانی خدایگان زمینی.

در داعیه ترتیب این جریده.

خلوت اول در فضل تعبد.

خلوت دوم در صفت صباح و مساح.

خلوت سوم در گرفتن احرام به حریم حرمت کعبه.

مقاله اول در علو درجت آدمیت.

حکایت موسی کلیم.

مقاله دوم در استظلال از مظله علم.

حکایت مشعله پادشاه.



- مقاله سوم در کمال کلام.  
حکایت عنان‌داری ادهم از جولان بیهوده.  
مقاله چهارم در تمهید اثنیه وحدت ربانی و تشیید ابنیه خمسه مسلمانی.  
حکایت حاجی که در راه حج صرفه نعلین کرد.  
مقاله پنجم در تقویت تقوا و جهد جهاد اکبر.  
حکایت عابدی که از جمله مخزذ طاعت به دیدن خدای بسنده کرد.  
مقاله ششم در شکر صوفیان صافی هوش.  
حکایت ترک شبلی.  
مقاله هفتم در انوار نفس خرسند.  
حکایت پیر گران سنگ کهساری.  
مقاله هشتم در بلندی پایه عشق  
حکایت گلخن تاب  
مقاله نهم در مرافقت و موافقت رفقای به اتفاق  
حکایت پیر وفادار  
مقاله دهم در حرمت و رحمت ذوی الارحام  
حکایت مرد برادرکش  
مقاله یازدهم در مفاتیح فیض امثال از مال  
حکایت جوانمردان تشنه  
مقاله دوازدهم در منزلت شهیدان  
حکایت گبر سگ که آب دهان سوی شیر خدا انداخت  
مقاله سیزدهم اندر اندرز شاهان  
حکایت خطا کردن پادشاه از تیر بی خطا  
مقاله چهاردهم در تحسین دیانت صاین  
حکایت آبریختگی شیرفروش و آب‌بردگی رمه

- مقاله پانزدهم در ملالت موزیان  
حکایت درد چشم زاغ کحلی پوش  
مقاله شانزدهم در سیر ستوده انسان  
حکایت دم زندگانی بخش عیسی روح الله علیه السلام  
مقاله هفدهم در غنیمت داشتن شب شباب  
حکایت پیر صاحب نظر و جوان تعمیرگر  
مقاله هجدهم در دوا و راه نجات و جنات  
حکایت جوینده شب قدر  
مقاله نوزدهم در شکایت کردن که مهر او در بیابان بی آبان را آفتاب بی آب می رساند  
حکایت صیاد پوستین پوش  
مقاله بیستم در نصیحت فرزند مستوره  
حکایت زن پارسا  
گفتار در اختتام

### ضرورت تصحیح

هرچند مطلع الأنوار در سال ۱۹۷۵م با مقدمه و تصحیح دقیق طاهر احمد اوغلی محرم اوف در اداره انتشارات دانش انستیتو خاورشناسی مسکو به صورت چاپ سنگی منتشر شده و تلاش های مصحح بسیار ارزشمند و قابل ستایش است اما نکته آن است که علاوه بر گذشت سال ها از انتشار آن و نیاز علاقه مندان و جامعه ادبی به چاپ مجدد آن منظومه با ابزار و شیوه های مدرن، آنچه ما را در تصحیح مجدد این منظومه قدرت و شجاعت بخشیده، وجود نسخه های ارزشمندی از آن است که در کتابخانه ها و موزه های ایران نگهداری می شود و سال کتابت آن ها به دوره حیات شاعر نزدیک تر از نسخه های مسکو است و از صحت و سلامت قابل توجهی برخوردارند. خانم دکتر مهین پناهی در مقدمه مقاله ای که درباره عرفان امیر خسرو در مطلع الأنوار نوشته به ضرورت تصحیح

مجدد این منظومه اشاره می‌کند و بیان می‌دارد که نسخه چاپ مسکو نیاز به بررسی و تصحیح مجدد دارد و مطالعه و پژوهش براساس نسخه چاپ مسکو آسان نیست.<sup>۱</sup> و باز بسیاری پژوهشگران و علاقه‌مندان مطالعه در حوزه شبه‌قاره که به تصحیح مجدد و چاپ اثر برای مطالعه مطلع الانوار اشاره کرده‌اند.

در مطلع الانوار چاپ مسکو از نسخه کتابت شده به سال ۷۵۶ ه. (۱۳۵۵ م) استفاده شده اما سایر نسخه‌های در دسترس ایشان متعلق به قرن یازده هجری است و از نسخه‌های ایرانی که متعلق به قرن هشتم و اوایل قرن نهم است بهره‌ای نبرده‌اند. ایشان در شیوه‌نامه خود که در مقدمه آورده است ذکر می‌کند که فقط اختلاف نسخه‌ها را در حاشیه ذکر کرده و بدین شکل تصحیح انتقادی نکرده‌اند و تنها گزارشی از محتویات نسخه‌ها است. از طرفی با مقایسه نسخه‌های موجود در ایران متوجه تفاوت خوانش‌های کاتبان و نویسندگان آن نسخه‌ها با نسخه انتشاریافته مسکو مشهود است که اهمیت تصحیح مجدد و معرفی دوباره این منظومه به عنوان مجموعه‌ای اخلاقی با فضایی متفاوت را گوشزد می‌کند و البته ناگفته نماند که در این تلاش از توجه و مقایسه همواره نسخه مسکو با نسخه‌های ایران غافل نبودیم و از توجه و دقت طاهر احمد اوغلی محرم اوف در متن بهره بردیم. با نگاهی دقیق تفاوت نسخه چاپ مسکو با نسخه‌های ایران در چهار سطح و در حدود بیش از دویست بیت است که به اجمال شامل موارد ذیل است:

۱. تفاوت رایجی که در میان بیشتر نسخ خطی با متن مشترک می‌توان دید و آن اختلاف در ثبت بعضی حروف ربط، اضافه و غیره است که در این نسخ نیز این مورد کم نیست و گه‌گاه این مسأله می‌تواند بین درک خواننده از مضمون بیت و نیت اصلی شاعر فاصله بیندازد؛ برای مثال در نسخه مسکو بیت: (دانه حق در دل گردون پران / وحی خدا در لب پیغمبران) که در نسخه‌های ایران به جای حرف (در) در مصرع دوم (بر) آمده. یا در بیت:

۱. فصلنامه مطالعات شبه‌قاره، دانشگاه سیستان و بلوچستان، سال دوم، شماره سوم.

گرچه تو بی‌خواست کنی هدیه راست لیک گسدايان نگذارند خواست  
در نسخه‌های ایران به جای (لیک) حرف (نیز) ضبط شده است.

۲. اختلاف در ضبط سایر انواع کلمه که گاه در درک معنا تأثیری نداشته و هر دو صورت بیت پذیرفتنی است و یا صورت مضبوط نسخه ایران کمک می‌کند که دریافت معنایی و بلاغی بهتری از بیت حاصل شود؛ برای مثال بی‌تی که در مدح نظام‌الدین اولیا سروده ضبط نسخه مسکو این چنین است: (هم تک او هم به ریاضتگری) که از آنجایی که مرجع ضمیر او نامشخص است و از طرفی به نظام‌الدین بر نمی‌گردد که این مورد در فهم بیت اشکالاتی ایجاد شده اما در نسخه‌های ایران به جای (او هم) آمده (ادهم) که به درستی معنای بزرگداشتی را که امیرخسرو برای استادش در نظر داشته می‌رساند.

۳. تفاوت دیگری که در این نسخه‌ها وجود دارد اختلافی است که به صورت ساختاری و زیبایی‌شناسانه در منظومه تأثیر می‌گذارد و آن ضبط متفاوت ردیف و قافیه در بعضی بیت‌هاست؛ نسخه مسکو:

حرز کله بسته ز اوحی به سر چتر سیه کرده ز اسری به سر

که در نسخه‌های ایران که در این تصحیح مورد استفاده قرار گرفت، قافیه در مصرع دوم (سپر) است.

۴. در نسخه چاپ مسکو گه‌گاه مواردی از اشکالات وزنی به چشم می‌خورد که در نسخه‌های مورد نظر کمتر این مورد دیده می‌شود؛ در نسخه چاپ مسکو آمده:

در دو زبانان است صواب و گزاف خط ننویسد قلم بی‌شکاف

که مصرع اول در نسخه‌های مورد استفاده ما برای تصحیح به جای (دو زبانان) آمده (دو زبانی) که اشکال وزنی مشهود در بیت را ندارد.

موارد دیگری چون جابه‌جایی ابیات و یا مصرع‌ها هم در این موارد به چشم می‌خورد که در تصحیح مجدد مطلع الأنوار درستی جای ابیات و مصرع‌ها با توجه به الگوهای جمله‌بندی امیرخسرو در همین منظومه همچنین محتوا و ارتباط معنایی ابیات در نظر گرفته شده است.